مطالعات تاریخ اسلام
سال دوازدهم/ شمارهٔ ۴۷/ زمستان ۱۳۹۹

بررسی فعالیت‌های تجاری بازرگانان ارمنی در بوشهر در دورهٔ قاجاریه

بدرالسادات علیزاده مقدم[۱]
ظهراب هاشمی‌پور[۲]

چکیده: ارمنی‌ها از جمله اقلیت‌های ایران‌اند که از پیشینهٔ زیادی در امر تجارت برخوردارند. در دورهٔ قاجاریه بندر بوشهر از مهم‌ترین عرصه‌های فعالیت‌های تجاری ارمنیان بود. این پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی- تحلیلی در پی پاسخگویی به این سؤال اصلی است که ارمنیان بوشهر چه نقشی در فعالیت‌های تجاری این بندر در دوره قاجاریه ایفا کرده‌اند؟ بررسی‌های اجمالی مؤید آن است که در این برهه بازرگانان و تجارتخانه‌های ارمنی با استفاده از تجربیات تجاری و بهره‌گیری از شبکهٔ ارتباطات قوی با مراکز تجاری و مالی دنیا و همچنین کسب نمایندگی شرکت‌های بزرگ خارجی، واسطهٔ صادرات و واردات انواع کالا از بندر بوشهر بودند. تجار ارمنی همچنین از طریق مساعدت در برخی امور خدماتی و رفاهی، نظیر ساخت کاروان‌سرا و کارخانهٔ یخ‌سازی و حمل‌ونقل دریایی تجار و مسافران نقش مهمی در رونق بندر بوشهر در دوره قاجار ایفا کردند.

واژه‌های کلیدی: ارمنی‌ها، فعالیت‌های تجاری، بوشهر، قاجاریه.

۱ استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور(نویسندهٔ مسئول) baliz_moghadam@yahoo.com
۲ دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه خلیج‌فارس، بوشهر Zohrab1395@gmail.com
تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۲۷ تاریخ تأیید: ۹۹/۰۸/۱۱

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-07]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.2.6]

Investigation of Armenian Merchants' Business Activities in Bushehr in Qajar Era

Badrosadat Alizadeh Moghadam[1]
Zohrab Hashemipoor[2]

Abstract: Bushehr port during the Qajar era was the most important commercial port of Iran due to various factors, especially the volume of exports and imports. Some factors such as the rule of Al-Mazkur family and their attention to providing the security for this port, as well as the presence of foreign agents and firms along with the active presence of businessmen, especially Armenian traders, had boosted the business of Bushehr port at that time. This research using a descriptive and analytical, as well as desk study method, is aimed to answer a main question: What role the Bushehr Armenians played in the commercial activities of this port during the Qajar era? The overviews confirm that Armenian businessmen individually or through formation of multiple trading houses have played active role in commercial boom in Bushehr port in Qajar era through various ways, such as exporting and importing various goods, accepting the representation of foreign companies and interacting with other Iranian business groups.

Keywords: Armenians, business activities, Bushehr, Qajar.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.2.6]

1 Assistant Professor Of History Department, Payame Noor University (Corresponding author) baliz_moghadam@yahoo.com
2 PhD student In History Of Persian Gulf University, Bushehr. Zohrab1395@gmail.com

مقدمه

از اوایل دوره قاجاریه به واسطهٔ بروز شرایطی چون الغای معافیت گمرکی کالاهای ترانزیتی از طریق قفقاز، استمرار اختلافات با دولت عثمانی، توسعه و سهولت حمل‌ونقل دریایی و سرانجام توجه برخی از خوانین محلی همچون آل مذکور به برقراری امنیت در خلیج فارس، بازرگانی از طریق آبراه خلیج‌فارس از رشد قابل توجهی برخوردار شد. در این میان، بندر بوشهر به عنوان شاخص‌ترین بندر جنوب ایران در دورهٔ قاجاریه، ضمن داشتن موقعیت لنگرگاهی مناسب در کنار حضور طبقهٔ فعال تجار، نقش قابل توجهی در زمینهٔ رشد و رونق تجارت در خلیج فارس ایفا کرد. دربارهٔ نقش بوشهر در تجارت این دوره پژوهش‌هایی صورت گرفته است، اما دربارهٔ نقش اقلیت‌های دینی ساکن در این بندر، به‌ویژه نیروهای ارمنی در تجارت تاکنون پژوهش منسجمی صورت نگرفته است. در این زمینه مرتضی دهقان‌نژاد و ظریفه کاظمی در مقاله «تجارت بوشهر و راه‌های تجاری آن در سال‌های ۱۲۹۳ تا ۱۳۲۴ش» با اشاره کوتاه به تجارت بوشهر، بیشتر به بررسی مسیرهای داخلی تجاری منتهی به بوشهر پرداخته‌اند. حیدر امیری نیز در مقاله «تجارت بندر بوشهر در حوزهٔ خلیج‌فارس در دوره قاجار» ضمن نگاهی به شرایط اقتصادی ایران در دوره قاجاریه، تنها به بررسی صادرات و واردات عمدهٔ بوشهر در این دوره پرداخته است. در مقالهٔ «بررسی نقش ارامنه در گمرک بوشهر در دوره قاجاریه براساس اسناد این دوره» از بدرالسادات علیزاده مقدم و ظهراب هاشمی‌پور نیز فقط به بررسی نقش نیروهای ارمنی در توسعه و تجهیز گمرک بوشهر بسنده شده است. بر همین اساس، نگارندگان این پژوهش درصدد پاسخگویی به این پرسش اصلی‌اند که ارامنهٔ بوشهر چه نقشی در فعالیت‌های تجاری این بندر در دوره قاجاریه ایفا کردند؟ این پژوهش بر این فرضیه استوار است که ارامنهٔ بوشهر به عنوان یکی از اقلیت‌های ساکن در این بندر، در کنار تجار بومی از طرق مختلف نقش فعالی در رشد و رونق تجاری بندر بوشهر ایفا کردند.

بوشهر مهم‌ترین بندر تجاری ایران در آغاز دورهٔ قاجاریه

بندر بوشهر از بنادر قدیمی ایران از پیشینهٔ زیادی در تاریخ ایران برخوردار است؛ چنان‌که در دوره باستان از این بندر به عنوان «لیان» و «ریشهر» یاد شده است (مارکوارت، ۱۳۸۳:

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.2.6]

۴۸). با وجود فراز و فرودهای بسیار در تاریخ این بندر، سرآغاز تحول نوین بوشهر به‌طور مشخص به دوران افشاریه، به‌ویژه عصر نادرشاه و تلاش وی در ایجاد ناوگان دریایی در این بندر باز می‌گردد. این کوشش‌ها در دورهٔ زندیه و به‌ویژه با اهتمام کریم‌خان نسبت به توسعهٔ تجارت دریایی ایران، به‌خصوص از طریق بندر بوشهر همچنان استمرار یافت. در این دوره به‌ویژه به واسطهٔ شورش‌های گاه و بیگاه نصیرخان لاری و اجحافات وی به تجار ساکن بندرعباس و تجارتخانه‌های آنها، اقبال این تجار به بندر بوشهر شدت گرفت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۴۸۸). از طرف دیگر، حاکمیت آل مذکور در بوشهر و اهتمام آنان در ایجاد امنیت و توسعهٔ تجاری بوشهر، اهمیت بسزایی در رونق این بندر به همراه داشت؛ چنان‌که در همین دوره که حملات و دستبردهای مکرر قبایل و دزدان دریایی به شکل نامساعدی بر رونق بازرگانی بنادر خلیج‌فارس تأثیر گذاشته و آشوب و ناامنی فضای بنادر را فرا گرفته بود (موریه، ۱۳۸۶: ۶۲/۱)، بوشهر پناهگاه آرامی برای بازرگانان و شرکت‌های حمل‌ونقل دریایی بود (استفان رای، ۱۳۷۸: ۶۴). البته در این میان، رکود تجارت از طریق روسیه و عثمانی به واسطهٔ استمرار اختلافات مرزی با آن دولت‌ها نیز از دیگر عوامل توجه به بنادر جنوبی ایران و به‌ویژه بندر بوشهر بود. بدین ترتیب، بروز این شرایط به‌تدریج بندر بوشهر را در آغاز دورهٔ قاجاریه به مهم‌ترین دروازه ورود و خروج کالا و ارتباطات تبدیل کرده بود (علیزاده مقدم و هاشمی‌پور، ۱۳۹۷: ۲۱)؛ چنانکه در این باره شیخ ناصر حاکم بوشهر، طی نامه‌ای به مدیران کمپانی هند شرقی انگلیس در بمبئی، یادآور شده بود که تمام مسیرهای ورود به ایران به بوشهر منتهی می‌شود و تجار همه جا برای دادوستد به این بندر می‌آیند (فلور، ۱۳۸۹: ۱۳۰). مصداق دیگر این سخن آنکه به روایت آمار تا اواخر قرن هجده میلادی/ دوازده قمری حدود دو سوم واردات ایران از طریق بوشهر صورت می‌گرفت (پری، ۱۳۶۵: ۳۵۱). در این برهه همچنین به واسطهٔ تأسیس تجارتخانه‌های کشورهای مختلف و کنسولگری‌های آنها همچون انگلستان و هلند و عثمانی و دیگر کشورهای اروپایی در بوشهر، اهمیت سیاسی و رونق تجاری این بندر به شدت افزایش یافته بود (کرزن، ۱۳۶۲: ۶۸۱/۲)؛ چنان‌که واردات ایران از بندر بوشهر در سال ۱۸۱۶م/۱۲۳۲ق. بیشتر از سیصد میلیون لیره و در سال ۱۸۲۱م/۱۲۳۸ق. به ۶۷۰ میلیون لیره یعنی بیش از دو برابر شده بود (عیسوی، ۱۳۶۲: ۱۶۷). از طرف دیگر، بیشتر

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.2.6]

صادرات ایران نیز از طریق همین بندر صورت می‌گرفت (لوریمر، ۱۳۷۹: ۱۷۰). این کالاها از مسیرهای مختلفی به بوشهر وارد و یا از آن خارج می‌شدند. معروف‌ترین این مسیرها مسیری بود که از بوشهر به برازجان و از آنجا به شیراز، اصفهان و تهران می‌رسید. این مسیر از دشواری‌های طبیعی بسیاری برخوردار بود، اما به سبب تجارت جنوب نهایت اهمیت را داشت (بنجامین، ۱۳۶۳: ۵۶۱)؛ چنان‌که کرزن در توصیف این جاده نوشته است، از همین راه تمام کالای تجاری هند و انگلستان به اصفهان و مقدار معتنابهی نیز به تهران می‌رسید و در این قرن بیشتر از راه‌های دیگر مورد استفاده قرار گرفته است (کرزن، ۱۳۶۲: ۸۵/۱) اهمیت این مسیر به گونه‌ای بود که محققان آن را از جمله شاهراه‌های اصلی (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۰۹) و شریان بزرگ تجاری ایران در این دوره خوانده‌اند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۲۳۷). از این مسیر اقلام گوناگونی چون پشم، ابریشم، مواد رنگی و خشکبار پس از ورود به بوشهر، به مقاصد مختلف به‌ویژه هند بارگیری می‌شد (بروگش، ۱۳۸۹: ۵۱۷-۵۱۹) و در مقابل، کالاهایی چون ادویه، فلفل، چای، کاکائو و انواع پارچه پس از ورود به بوشهر، به سراسر ایران انتقال می‌یافت (پاتینجر، ۱۳۴۸: ۲۵۹).

در نتیجهٔ افزایش حجم واردات و صادرات از بوشهر، رونق تجاری این بندر و پس از آن شیراز به عنوان استمرار خط تجارتی بوشهر، در این برهه به جایی رسیده بود که منابع گردش سی درصد از کل حجم اسکناس در گردش ایران این دوره را مربوط به بوشهر و شیراز دانسته‌اند. (خیراندیش، ۱۳۹۰: ۱۲۷). بدین ترتیب، بوشهر در این دوره به عنوان بارانداز شهرهای داخلی ایران از یک طرف و مهم‌ترین بندر صدور کالا به دیگر کشورها از طرف دیگر، روزگار پررونقی را تجربه کرد. در این میان، حضور تجار ایرانی اعم از مسلمان و اقلیت‌های دینی همچون ارمنی‌ها و رقابت شدید آنان رونق اقتصادی بوشهر را از قوت بیشتری برخوردار کرده بود؛ چنان‌که میرزا تقی‌خان حکیم‌باشی پس از دیدار از بوشهر (۱۲۹۹ق/۱۸۸۲م) در این باره نوشته است: «بندر بوشهر بندرگاه عمده برای مال‌التجارهٔ تمام مردم ایران به نوعی معتبر و قابل و با تجار معتبر است که اگر اولیای دولت اندک توجهی به حال تجار و اصلاح لوازم بندری اینجا فرمایند، کمتر از بمبئی نخواهد بود. تجار ایرانی این بندر به نوعی متمول و معتبرند که نه تنها با تمام کمپانی‌های بلاد خارجه از انگلستان، فرانسه و هندوستان، عثمانی و غیره مشارکت و برابری دارند،

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-07]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.2.6]

بلکه از بعضی تقدم می‌جویند» (افشار سیستانی، ۱۳۶۹: ۷۹۱–۷۹۲).

پیشینهٔ حضور ارمنی‌ها در بوشهر و زمینه‌های رونق فعالیت‌های تجاری آنها

پیشینهٔ حضور ارمنی‌ها در بوشهر به گواهی اسناد به دورهٔ صفویه و به‌ویژه دوره شاه عباس اول می‌رسد (استادوخ، ۱۳۲۶: سند شمارهٔ ۴۱). در همین باره «آرشام» و «تگران ملکم» فرزندان خواجه یوسف ارمنی در نامه‌ای به تاریخ ۲۷ شوال ۱۳۱۳/ ۱۸۹۸م. به صدراعظم ایران چنین اشاره کردند که: «... خانواده این فدویان از قدیم‌الایام جانفشان و فرمانبردار دولت ابد مدت علیّه بوده‌اند، چنانکه در عهد سلاطین صفویه بنای آبادی و معموری بندرعباس را گذاشتند و امتیازات تجاری معتبر هم از شاه عباس داشتند. جَد این فدویان هنگامی مسکنت بوشهر را اختیار کرد که بوشهر فقط ده ماهی‌فروشان بود و بنای آبادی را که گذاشت، باعث ترقی و معموری شهر شدیم» (استادوخ، ۱۳۱۳: سند شماره ۲۳). حوادث دورهٔ پایانی صفویه نیز بر قوَت حضور جمعیت ارمنی در بوشهر افزود؛ چنان‌که پس از سقوط اصفهان توسط افغان‌ها و به دنبال تعدّی و اجحافات آنان به گروه‌های ارمنی، بخشی از این اقلیت به نواحی جنوبی ایران از جمله بندر بوشهر مهاجرت کردند (محمدی، ۱۳۹۷: ۳).

این مهاجرت‌ها بعدها در دورهٔ افشاریه و همراه با توجه ویژهٔ نادر به بوشهر و پس از آن در دورهٔ زندیه به‌ویژه عصر کریم‌خان به دنبال توجه وی به نقش نیروهای ارمنی در گسترش فعالیت‌های تجاری، همچنان از قوت خاصی برخوردار بود (مشایخی، ۱۳۸۲: ۱۴۰). روند صعودی حضور ارامنه در بوشهر در ادوار بعد نیز همچنان استمرار یافته بود؛ چنان‌که برخی از منابع به مهاجرت برخی گروه‌های ارمنی از تفلیس پس از غارت این شهر (۱۲۱۱ق/۱۷۹۷م) توسط آقامحمدخان قاجار به شهرهای ایران و به‌ویژه بندر بوشهر اشاره کرده‌اند (سعیدی‌نیا، ۱۳۸۹: ۶۲). از طرف دیگر، همزمان با تثبیت سلسلهٔ قاجار در ایران، موقعیت تجاری بوشهر به عنوان مهم‌ترین بندر ایران در خلیج‌فارس، همچنان موجب جذب تجار و اقلیت‌های مذهبی مختلف به‌ویژه بازرگانان ارمنی می‌شد؛ چنان‌که در این دوره برخی از منابع تجار ارمنی را در ردیف تجار سرشناس بوشهر نام برده‌اند (کزازی، ۱۳۹۰: ۲۲۸). در این باره ویلم فلور نوشته است: «در حدود

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.2.6]

سال ۱۸۲۸م/ ۱۲۴۳ق. بازرگانان بوشهری به‌طور مساوی متشکل از سوداگران مسلمان و ارمنی بودند. ارمنی‌ها ارتباط بیشتری با هند داشتند و ثروتمندتر و در نتیجه بانفوذتر بودند» (فلور، ۱۳۸۹: ۴۲). از طرف دیگر، با توجه به اینکه از اوایل قرن نوزدهم سیاست دروازه‌های باز بر اقتصاد ایران تحمیل شده بود (سیف، ۱۳۸۷: ۳۵)، در این دوره نیز کمپانی‌ها و تجارتخانه‌های خارجی زیادی در بوشهر فعالیت می‌کردند؛ به همین دلیل دانستن زبان‌های خارجی فرصتی ویژه در اختیار بازرگانان ارمنی قرار داده بود. البته به این امر بایستی هم‌مسلکی و برخی تشابهات فرهنگی آنان با اروپاییان را نیز افزود؛ چیزی که شاید بیشتر بازرگانان ایرانی از آن بی‌نصیب بودند. نکتهٔ دیگر در تمایز بازرگانان ارمنی با دیگر بازرگانان فعال در بوشهر، پشتوانهٔ عمیق تجاری و اعتبار و سرمایهٔ بالای مالی آنها (کلی و سیوری، ۱۳۷۷: ۱۶۹) و همچنین زیرکی و سخت‌کوشی آنها بود (شیل، ۱۳۶۲: ۲۰۲). در این مورد چارلز عیسوی به نقل از کنسول فرانسه نوشته است: «ارمنیان می‌دانند که در جاهای مختلف به چه نحوی رفتار کنند و به چه شیوه‌ای تجارت خود را با منافع، مهارت و کامیابی فوق‌العاده‌ای راه بیاندازند» (عیسوی، ۱۳۶۲: ۲۲۶). بدین ترتیب، بازرگانان ارمنی به پشتوانهٔ برخورداری از این مهارت‌ها ثروت‌های هنگفت فراهم آورده و به توان بالای اقتصادی رسیده بودند؛ چنان‌که برخی معتقد بودند «ثروت و نفوذ ارمنی‌ها در بوشهر نسبت به جمعیتشان در آن شهر نامتناسب می‌نمود؛ چه در سال ۱۸۲۲ دو نفر از اعضای خاندان کانستانتین یک برات به ارزش پنجاه هزار روپیه خریداری کردند. در آن زمان پنجاه هزار روپیه عموماً مبلغی قابل توجه بود» (استفان رای، ۱۳۷۸: ۳۶). باید توجه داشت که در یک تخمین کلی و تقریبی تعداد کل ارمنی‌های بوشهر در این زمان حدود صد نفر بود (کزازی، ۱۳۹۰: ۲۲۸).

نکتهٔ مهم دیگر، نزدیکی و ارتباط تنگاتنگ تجار ارمنی با بازرگانان و شرکت‌های اروپایی بود. اهمیت این نزدیکی برای آنان گاه چنان بود که برخی از آنها برای برخورداری از امنیت و حفظ سرمایه و اعتبارشان، خود را تحت حمایت برخی از کشورهای اروپایی درمی‌آوردند تا بتوانند ضمن گریز از موانع حقوقی و تجاری، از فرصت‌ها و ظرفیت‌هایی که این دولت‌ها برای بازرگانان خود در ایران و کشورهای دیگر فراهم می‌کردند، استفاده کنند. البته در این برهه برخورداری از این حمایت مختص

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.2.6]

تجار ارمنی نبود و بسیاری از تجار معتبر مسلمان ایرانی نیز به دلیل ناامنی شدید داخلی و اجحافات دولت مرکزی و امرای محلی، تحت حمایت دولت‌های اروپایی به‌ویژه انگلستان قرار می‌گرفتند؛ چنان‌که «حاجی بابا صاحب» از تجار معتبر بوشهری که دارای چندین کشتی بازرگانی بود، به سبب اعمال فشار حکام فارس و بوشهر به تابعیت انگلستان درآمده بود (اشرف، ۱۳۵۹: ۵۷). علاوه بر این، باید از اجحافات گمرکی به تجار ایرانی یاد کرد که این خود موجب شکایت عمدهٔ تجار معتبر بوشهری شده بود؛ چنان‌که براساس قوانین تجار ایرانی پس از ورود کالاهایشان، علاوه بر بوشهر تا رسیدن به مقصد موظف به پرداخت چندین بار عوارض گمرکی و راهداری بودند، اما در مورد کمپانی‌های خارجی و تجار وابسته به آنها، تنها به پرداخت یک بار آن هم فقط در نخستین شهر و یا بندر مرزی که کالاهای خود را بدان‌جا وارد می‌کردند (معادل ۵ درصد قیمت کالا)، بسنده می‌شد. وجود و استمرار این امر علاوه بر ضرر و زیان تجار بومی و نقصان کلی تجارت، زمینه را برای وابستگی تجار به کمپانی‌های خارجی و قبول نمایندگی آنها به سبب تفاوت گمرکی فراهم می‌کرد (همان، ۹۵).

علاوه بر این، در کشوری که قانونی برای پرداخت بدهی و خسارت‌هایی نظیر راهزنی و اعمال سلیقه و نفوذ شیوخ محلی وجود نداشت و جبران خسارت معمولاً با مراجعهٔ مستقیم به دولت ایران یا توقیف اموال بدهکار امکانپذیر بود، در چنین شرایطی حمایت کشورهای اروپایی از خسارت‌دیده می‌توانست عامل مهمی برای جبران خسارات احتمالی و حمایت از تجارت آنها باشد (رایت، ۱۳۶۱: ۱۵۱)؛ چنان‌که در این باره مهدی‌علی‌خان (۱۸۰۲م/۱۲۱۷ق) نمایندهٔ کمپانی هند شرقی در بوشهر، چنین نوشته است: «اوضاع سیاسی در اینجا بسیار جدی است. در حال حاضر هیچ دادوستد دریایی مگر با کشتی‌های انگلیسی انجام نمی‌شود. چه شناورهای محلی به علت بیم از اعراب بنی‌عتوب جرأت نمی‌کنند از پناهگاهشان خارج شوند» (استفان رای، ۱۳۷۸: ۱۴۹). بدین ترتیب، تجار ارمنی در این برهه در سایهٔ برخی قابلیت‌های خود و شناخت شرایط و استفاده از ابزارهای لازم، ضمن تعامل با دیگر تجار ایرانی و خارجی و شرکت‌های خارجی به تبادل انواع کالاها و مشارکت در امور تجاری بوشهر اشتغال داشتند.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.2.6]

گستردگی و تنوع دامنهٔ مبادلات بازرگانان ارمنی

وسعت و تنوع کالاهای مورد معاملهٔ تجار ارمنی در این برهه نیز بسیار قابل توجه بود؛ چنان‌که به استناد منابع تجار ارمنی به کار بازرگانی و واردات و صادرات انواع کالاها و هر چیز دیگری که عملاً امکان درآمد داشت، می‌پرداختند (زنگنه، ۱۳۸۶: ۷۵). از جمله مهم‌ترین کالاهایی که ارمنی‌ها به‌طور مشخص در تجارت آن نقش داشتند، اسلحه و مهمات بود. این کالا یکی از مهم‌ترین اقلام وارداتی به بوشهر بود که به واسطه سود سرشار آن، برخی شرکت‌های اروپایی و همچنین تجار ارمنی به‌طور گسترده در واردات آن مشارکت داشتند. در این دوره ارامنه علاوه بر خرید و فروش اسلحه، در بازاریابی و توزیع و ترانزیت آن برای شرکت‌های خارجی نیز مشارکت فعال داشتند (رایت، ۱۳۶۱: ۱۵۰).

بازرگانان ارمنی چون «اراتون ملکم» و تجارتخانهٔ برادران تیگران و آرشام ملکم و دیگران اسلحه را از کشورهای اروپایی چون بلژیک، فرانسه و به‌طور مشخص انگلیس به بوشهر وارد می‌کردند (برومند، ۱۳۸۱: ۲۶۵-۲۶۶) و چون وارد کنندگان و درواقع عرضه کنندگان آن محدود بودند، سود سرشاری عاید آنها می‌شد. اگر به آمار محمدعلی جناب دربارهٔ تعداد جنگ‌افزارهایی که در فاصلهٔ کوتاه ۱۸۹۵-۱۸۹۷م/ ۱۳۱۲-۱۳۱۴ق. به ایران وارد شده‌اند، توجه کنیم، به شگفتی درخوری می‌رسیم. طبق آمار او، تعداد تفنگ‌هایی که در فاصله سال‌های گفته‌شده به بوشهر وارد شده، از ۴۳۵۰ قبضه در ۱۳۱۲ق/۱۸۹۵م. به ۳۰/۰۰۰ قبضه در سال ۱۳۱۴ق/۱۸۹۷م. می‌رسید (جناب، [بی‌تا]: ۱۰۷)؛ یعنی در فاصله کوتاه دو سال به رشدی تقریباً معادل شش و نیم برابر رسید و این بسی درخور توجه است. البته بعدها به واسطهٔ پیامد ورود بی‌رویه سلاح و نقش آن در به مخاطره انداختن امنیت داخلی، طی قراردادی (۱۳۱۶ق/۱۸۹۸م) که بین مقامات ایران، مسقط و بریتانیا منعقد شد، خرید و فروش اسلحه در محدودهٔ ایران و مسقط ممنوع اعلام شد (برومند، ۱۳۸۱: ۲۶۴). اعلام این ممنوعیت و بالا رفتن تعرفهٔ تجاری آن خودبه‌خود سبب‌ساز پدیدهٔ قاچاق این کالا شد. در نتیجه، با تبدیل مبادلات آن به معاملات زیرزمینی، به نوعی شاید تأثیر چندانی در عرضه و تقاضای این کالا در این منطقه به وجود نیامد؛ چنان‌که کنسول انگلیس (۱۹۱۱م/۱۳۲۹ق) در یکی از گزارش‌های خود در این زمینه

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-07]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.2.6]

نوشته است: «به علت ورود سیل‌آسای افراد قبایل به بوشهر و خرید جنگ‌افزار توسط آنها قیمت جنگ‌افزار افزایش یافته است و یک قبضه تفنگ که یک ماه قبل به مبلغ ۶۰ الی ۶۵ تومان خریداری می‌گردید، اکنون به مبلغ ۹۵ تومان به فروش می‌رسد» (زنگنه، ۱۳۸۶: ۲۵۶). گفتنی است در این برهه در کنار حضور فعال برخی از تجار ارمنی، خوانین محلی نیز در کار قاچاق اسلحه (*روزنامه مظفری*، جمادی‌الثانی ۱۳۲۸: ش ۸، صص۱۵، ۱۶) مشارکت داشتند. جالب آنکه در همین برهه ریاست گمرک با مؤسس‌خان ارمنی بود که به شدت با قاچاق انواع کالاها و به‌ویژه اسلحه مبارزه می‌کرد (*روزنامه مظفری*، ربیع‌الثانی ۱۳۲۸: ش۳، ص۱۶).

از دیگر زمینه‌های فعالیت تجار ارمنی در این برهه در بوشهر، صادرات اسب بود (جمالزاده، ۱۳۳۵: ۳۶) که تقاضای زیادی به‌ویژه در هندوستان داشت. آن‌گونه که از منابع برمی‌آید، بخشی از افزایش تقاضا به حضور نیروهای انگلیسی در هند و نیاز آنها به چهارپایانی همچون اسب مربوط می‌شد. بدین ترتیب، هر ساله صدها رأس اسب از بندر بوشهر به هندوستان صادر می‌شد. این جریان بوشهر را به یکی از مهم‌ترین کانون‌های صادرات اسب در منطقه تبدیل کرده بود (گوبینو، ۱۳۶۷: ۱۲۰).

از دیگر زمینه‌های فعالیت بازرگانان ارمنی در بوشهر، تجارت شکر بود. شکر به‌طور عمده از دو منبع رقیب به بوشهر وارد می‌شد. یکی توسط تاجران انگلیسی و از کانون هند و دیگری توسط تاجران هلندی (Potter, 2008: 257) با همکاری بازرگانان ایرانی ارمنی و از طریق جاوه و مناطق جنوب شرقی آسیا بود. نکتهٔ قابل توجه آنکه شکر وارداتی جاوه بیشتر از شکر وارداتی هند در بوشهر بازار و خریدار داشت (استفان رای، ۱۳۷۸: ۴۰). این امر به احتمال معلول دو عامل بود. یکی اینکه شکر هند را تجار انگلیس به ایران وارد می‌کردند؛ حال آنکه شکر جاوه توسط تجار ایرانی که بیشتر ارمنی بودند، به ایران وارد می‌شد (Potter, 2008: 257). پایین بودن نرخ عوارض گمرکی شکر جاوه نسبت به شکر انگلیس عامل دیگر بود. از شکر انگلیس پنج درصد عوارض گرفته می‌شد؛ درحالی‌که از شکر جاوه فقط ۱/۵درصد عوارض می‌گرفتند (فلور، ۱۳۶۵: ۱۲۸). البته دلیل این تفاوتِ عوارض بر ما روشن نیست، اما به احتمال این امر مشوّق تجار ارمنی در تجارت این کالا بوده است. با این حال، این مسئله

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.2.6]

نمی‌تواند اهمیت نقش هندوستان در تجارت شکر با ایران را کم‌رنگ جلوه دهد؛ به‌ویژه آنکه واردات شکر از این کشور به ایران تا سال‌های آغازین قرن بیستم به رشدی بیش از دو برابر رسیده بود. براساس آمارهای موجود، در طول سال‌های ۱۸۳۴ تا ۱۸۳۸م. متوسط مقدار شکری که از هندوستان به بنادر ایرانی و عرب در خلیج فارس وارد می‌شد، معادل ۴۳۰هزار مَن در سال بود، ولی متوسط سالیانه برای دوره ۱۸۶۸-۱۹۰۶م. به بیش از یک میلیون مَن افزایش یافت (سیف، ۱۳۸۷: ۲۶۶).

علاوه بر شکر، اقلامی مانند زغال (زنگنه، ۱۳۸۶: ۷۵)، تنباکو (نورائی، ۱۳۸۵: ۳۴۵) و قند (وادالا، ۱۳۵۰: ۱۷۱) نیز از مهم‌ترین اقلام وارداتی تجار ارمنی به بوشهر بود. تجار ارمنی در تولید و فروش و صدور شراب، به‌ویژه شراب ناحیه شیراز (ریچاردز، ۱۳۸۹: ۱۷۵) در بوشهر نیز کنترل کاملی داشتند (استفان رای، ۱۳۷۸: ۳۶). صادرات دام به‌ویژه گوسفند و پوست به کشورهای اروپایی و روسیه و افریقای جنوبی از دیگر حوزه‌های فعالیت تجار ارمنی بود (کاکس، ۱۳۷۷: ۱۷-۱۹). گفتنی است از معروف‌ترین تجار ارمنی که در این دوره در حوزه‌های یاد شده فعالیت داشتند، می‌توان به آراتون کانستانتین، آقا یوسف ملکم یا خواجه یوسف، مگردیچ گولزاد، ابکار، اراتوان لئوملکم، ورام ارمنی، اسماساطور. جی. گولزاد (وادالا، ۱۳۵۰: ۱۳۴) جی. ای. مالکم و ماسائل مالکم (برومند، ۱۳۸۱: ۳۰۱) اشاره کرد. در میان این تجار ارمنی و تجارتخانه‌هایشان برخی به لحاظ قدمت و وسعت حوزهٔ کار، از اعتبار و اشتهار بیشتری برخوردار بودند. از عمده‌ترین این تجارتخانه‌ها می‌توان به دو تجارتخانهٔ صاحب‌نام ملکم و شرکا و همچنین تجارتخانه زیتون اشاره کرد که در زمرهٔ مهم‌ترین بازرگانان ارمنی و کمپانی‌ها در بوشهر در دوره قاجار بودند (فلور، ۱۳۸۹: ۴۳).

تجارتخانهٔ آرشام و تگران. جی. ملکم

تجارتخانهٔ «ملکم و شرکا»، با نام رسمی «A &T.G.Malkolm» (آرشام و تگران. جی. ملکم) از مهم‌ترین تجارتخانه‌های ارمنی در بوشهر در دوره قاجار بود. این تجارتخانه متعلق به دو برادر به نام آرشام و تیگران ملکم بود که اجدادشان در دوره صفویه از اصفهان به بوشهر آمده بودند (استادوخ، ۱۳۱۳: سند شماره ۲۳). این تجارتخانه با تمرکز

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.2.6]

در بوشهر و ایجاد شعبه‌های نمایندگی در بندرعباس و لنگه (عیسوی، ۱۳۶۲: ۵۶۳)، ضمن ارتباط فعال با دیگر کانون‌های تجاری خلیج‌فارس و همچنین تجارتخانه‌ها و بازرگانان عمدهٔ اروپایی و غیراروپایی، علاوه بر تمرکز در مبادلات خارجی، با مراکز تجاری داخل ایران نظیر کازرون، شیراز، اصفهان و غیره نیز روابط تجاری پرحجمی داشتند. دامنهٔ مبادلات این شرکت بسیار گسترده بود و اقلام و کالاهای بیشماری را در برمی‌گرفت. از جملهٔ این کالاها تجارت اسلحه و مهمات بود که حجم بالایی از تجارت این تجارتخانه را به خود اختصاص داده بود (انوری، ۱۳۸۷: ۲۵۲؛ *روزنامه حبل المتین*، شوال ۱۳۱۸: شماره۱۷، ص۱۷). سود سرشار تجارت این کالا به‌ویژه در مواقعی که تجارت آن از طرف دولت ممنوع بود و این کالا به عنوان قاچاق محسوب می‌شد، موجب شده بود که این تجارتخانه نیز در کنار برخی از خوانین محلی (کاکس، ۱۳۷۷: ۴۲، ۹۲) همچنان در قاچاق این کالا مشارکت کند؛ چنان‌که استمرار این جریان چندین بار اعتراض کارگزاری بوشهر و ریاست گمرک یعنی مؤسس‌خان را در پی داشت (موجانی، ۱۳۸۴: ۵۴-۵۳). در کنار تجارت پرسود انواع کالا نظیر شکر و تنباکو، این تجارتخانه همچنین با کشتی‌های خود ضمن حمل کالا و اجناس در خلیج‌فارس و حواشی اقیانوس هند، به نقل و انتقال مسافر می‌پرداخت؛ به‌خصوص زوار ایرانی و هندی که از طریق دریا و از راه بصره عازم مراسم حج می‌شدند، به وسیلهٔ این کشتی‌ها جابه‌جا می‌شدند.

تجارتخانه ملکم و شرکا، همچنین برای توسعهٔ منابع درآمد خود، به وکالت از برخی شرکت‌های اروپایی و شرکت‌های کشتی‌رانی خارجی، واسطهٔ صادرات و واردات کالا به ایران بود. در همین باره می‌توان به وکالت تیگران‌ملکم برای کمپانی «استریک اسکات» انگلیسی اشاره کرد. مرکز این شرکت در بوشهر بود؛ ضمن اینکه در دیگر بنادر خلیج‌فارس نیز نمایندگی داشت. کشتی‌های این کمپانی بین بنادر خلیج‌فارس و انگلستان و دیگر بنادر اروپایی به‌طور مرتب در رفت‌وآمد بودند. این کشتی‌ها هفته‌ای یک بار کالاهای انگلیسی و هندی را در سواحل ایران به‌ویژه بندر بوشهر وارد و کالاهای ایرانی و دیگر کشورها را برای مقاصدی چون هند و انگلستان بارگیری می‌کردند (سایکس، ۱۳۶۳: ۴۴۴-۴۴۵). خط استریک جزو ده کمپانی کشتی‌رانی بود که با افراشتن پرچم انگلستان، حتی در طول جنگ نیز مصونیت داشت و سرویس‌های آن در حد امکان خوب

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.2.6]

کار می‌کرد (وادالا، ۲۵۳۶: ۱۱۴). از آنجا که در دورهٔ قاجار به مانند دوران پیش از خود، امورات مملکتی ضابطه‌مند نبوده و ارتباط با دولتمردان در تسهیل امور نقش مؤثری ایفا می‌کرد (سیف، ۱۳۸۷: ۲۱)، برادران ملکم نیز برای پیشبرد مقاصد تجاری خود روابط خوبی با خاندان قاجار برقرار کردند. در این امر، آنان به‌ویژه از حمایت قاطع ظل‌السلطان حاکم اصفهان برخوردار بودند و به قول سدیدالسلطنه، این شاهزادهٔ بانفوذ قجری «توجه غریبی» به آنها می‌کرد (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۶). از این رو، این تجارتخانه با برخورداری از حمایت رسمی عمّال دولتی و دیوانی و نمایندگی برخی شرکت‌های اروپایی قدرت و نفوذ گسترده‌ای به دست آورد؛ چنان‌که کمپانی استریک با مساعدت همین تجارتخانه و مذاکرات پیوستهٔ آنها، با عمال دولتی و شیوخ منطقه بود (Messrs Malcom, 1898: 119) که توانستند امتیاز بهره‌برداری و صدور خاک قرمز یا اکسید قرمز را ابتدا برای دو سال و پس از آن برای پنج سال از دولت ایران بگیرند (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۳: ۳۴۳).

تجارتخانهٔ زیتون

از دیگر بازرگانان ارمنی در این دوره «زیتون» بود. در منابع مختلف این دوره، با عناوینی چون «جون زیتون» (john Zeytoon)، «مستر زیتون»، «لیوینگستن زیتون» و «زیتون ارمنی» از وی یاد شده است. او از ارمنی‌های جلفای اصفهان بود که در دورهٔ زندیه به بوشهر نقل مکان کرد (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۵). زیتون کارش را ابتدا به عنوان منشی نزد بازرگانان ارمنی آغاز کرد و سپس به لحاظ داشتن شمّ تجاری، به یک بازرگان معتبر با تجارتخانه‌ای بزرگ تبدیل شده بود (مشایخی، ۱۳۸۲: ۱۳۳). زیرکی و فتانت او در امور تجاری چنان بود که نزد مردم به «شیطان» اشتهار یافته بود (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۵). تجارتخانهٔ او با نام انگلیسی «john Zeytoon» و با نام فارسی «تجارتخانه زیتون» مصدر ورود و خروج انواع کالا و انجام خدمات در بوشهر، بندرعباس و لنگه بود. دامنهٔ کالاهای تجاری مورد معاملهٔ تجارتخانه زیتون نیز از گستردگی بسیاری برخوردار بود. از جملهٔ این کالاها صادرات قالی بود (مشایخی، ۱۳۸۲: ۱۴۵). به نظر می‌رسد این تجارتخانه در توسعهٔ کارگاه‌های قالی‌بافی نیز دخیل بوده است؛ هرچند که به گواهی منابع مقدار صدور این کالا در این برهه چندان چشمگیر نبود (امیری، ۱۳۹۳: ۸۸). این تجارتخانه

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-07]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.2.6]

همچنین در فروش بلیط‌های بخت‌آزمایی به‌ویژه در میان ارمنی‌های بوشهر که وجوه آن صرف امور خیریه و مذهبی آنان می‌شد، مشارکت فعال داشت (مشایخی، ۱۳۸۲: ۱۴۵). از طرف دیگر، این شرکت از جمله تجارتخانه‌های بومی خلیج‌فارس بود که با مرکزیت بوشهر ضمن ایجاد شعبه‌های تجاری در دیگر بنادر خلیج‌فارس نظیر بندرعباس و بندر لنگه، دامنهٔ فعالیت‌های بازرگانی خود را تا شیراز نیز توسعه داده بود (نورائی، ۱۳۸۵: ۶۸-۱۱۲). علاوه بر این، زیتون به منظور آگاهی از تجارت جهانی در ارتباط مستقیم با بازارهای اروپایی و تجار آن بود؛ چنان‌که در سال ۱۹۰۷م/۱۳۲۴ق. برای اقامت شش‌ماهه عازم اروپا شد (مشایخی، ۱۳۸۲: ۱۴۵). از طرف دیگر، گستردگی دامنهٔ فعالیت شرکت بازرگانی زیتون، صاحب امتیاز آن را به پذیرش نمایندگی برخی از شرکت‌های بازرگانی اروپایی کشانید. از جملهٔ آنها می‌توان به شرکت کشتی‌رانی «هارتل پول غربی» اشاره کرد که کشتی‌های آن در سال بیش از پنج تا شش بار به بوشهر وارد نمی‌شدند (سعیدی‌نیا، ۱۳۸۹: ۴۴). بنابراین عمدهٔ فعالیت‌های آن شرکت در این سامان، توسط کمپانی زیتون صورت می‌پذیرفت. نقش تجار ارمنی در این برهه در رونق تجاری بوشهر تنها مختص به صادرات و وادرات نبود، بلکه آنان از طریق مشارکت در برخی امور خدماتی و رفاهی زمینه را برای رونق تجاری بوشهر بیش از پیش مهیا کردند.

مهیا کردن شرایط مساعد برای رونق تجارت

در این دوره تجار ارمنی علاوه بر مشارکت مستقیم در مبادلهٔ کالاهای تجاری، از طریق سرمایه‌گذاری بخشی از درآمدهایشان در کارهای تولیدی و خدماتی، علاوه بر افزایش ثروت و کسب اعتبار بیشتر در جامعه، اهتمام فراوانی برای رونق تجارت در بوشهر داشتند. از مصادیق این مدعا می‌توان به ایجاد کارخانهٔ یخ‌سازی و یا ساخت مسافرخانه‌های اقامتی، به ترتیب توسط «مگردیچ گلزاد» و «خواجه ابکار» در بوشهر اشاره کرد (استفان رای، ۱۳۷۸: ۳۶). مگردیچ و برادرش اسماساطور از ارمنی‌های جلفا بودند که در دورهٔ زندیه از جلفای اصفهان به بوشهر مهاجرت کردند و در این شهر به تجارت مشغول شدند. مگردیچ بعدها خواهر تیگران‌ملکم را به همسری گرفت و به‌تدریج صاحب امکانات فراوانی شده بود (مشایخی، ۱۳۸۲: ۱۴۰). آراتون کانستانتین تاجر ارمنی، ثروتمند دیگری

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.2.6]

بود که با ساخت و راه‌اندازی چند کاروان‌سرا در بوشهر و اطراف آن برای رفاه حال بازرگانان و مسافران، به فراهم کردن شرایط مساعد برای رونق تجارت در بوشهر پرداخت. از طرف دیگر، برخی از تجار ارمنی نیز با خرید و اجارهٔ بخش قابل توجهی از زمین‌های زراعی اطراف کازرون، دالکی و بوشهر و کشت و سپس فروش برخی محصولات موجبات رونق کسب و کار و تجارت در بوشهر را فراهم کرده بودند. از جملهٔ این تجار می‌توان به خاندان ملکم اشاره کرد (استفان رای، ۱۳۷۸: ۳۶). علاوه بر موارد یاد شده، برخی از آنها از طریق خرده‌فروشی و مغازه‌داری، در کار خرید و فروش محصولات مختلف، به‌ویژه محصولاتی که ارمنی‌ها در کار مبادلات آن نقش داشتند (سدیدالسلطنه: ۳۷:۱۳۷۱)، نظیر خواروبار و اقمشه نقش مهمی در چرخش و گردش این محصولات در بوشهر ایفا کردند (فلاندن، ۲۵۳۶: ۳۶۹–۳۷۰).

بازرگانان ارمنی و نمایندگی کمپانی‌های خارجی

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، از دیگر حوزه‌های فعالیت تجار ارمنی، نمایندگی کمپانی‌های خارجی بود. وجود عواملی چون ناامنی شدید داخلی، گرفت و گیرهای گمرکی و قدرت دل‌بخواهی عمّال دیوانی و همچنین حضور بیش از پانزده شرکت بزرگ خارجی در بوشهر، شرایط را برای قبول نمایندگی شرکت‌های اروپایی از سوی تجار بوشهری از جمله تجار ارمنی فراهم کرده بود (اشرف، ۱۳۵۹: ۵۴، ۵۶، ۹۶). از طرف دیگر، باید توجه داشت که در این برهه تجارت یک کالای به‌خصوص، ریسک بالایی را می‌طلبید و مخاطره‌آمیز می‌نمود؛ به همین دلیل تنوع کالا و اجناس مورد مبادلهٔ آنان، دامنه وسیعی را شامل می‌شد. بنابراین «از آنجا که این‌گونه تجارت نیازمند سرمایه کلان بود، عده معدودی از تجار می‌توانستند به میل خود به آن بپردازند و غالب تجار در این برهه عامل یا نماینده تجار بزرگ‌تر یا تجارتخانه‌های خارجی بودند» (فلور، ۱۳۶۵: ۱۶۷). در این عرصه نیز نیروهای ارمنی به عنوان دلالان و واسطه‌گران خبره و آشنا به بازارها و کانون‌های تجاری محلی، نه تنها در شاخه‌های مختلف تجاری تخصص داشتند، بلکه مسئولیتِ یافتن مشتری، ترتیب معاملات، شرایط خرید و فروش و توجه به تضمین پرداخت برای شرکت‌های خارجی را نیز عهده‌دار بودند (همان، ۱۳۶۵: ۱۶۵). درواقع، این

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-07]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.2.6]

تجار به وکالت از طرف شرکت‌های خارجی به کار خرید و فروش، رتق و فتق مسائل مالی و حقوقی، عقد قرارداد، بازاریابی، حمل‌ونقل کالا و غیره می‌پرداختند. از جمله تجار ارمنی که نمایندگی کمپانی‌های خارجی در بوشهر را برعهده داشت، می‌توان به آقا یوسف ملکم اشاره کرد. او نمایندهٔ کمپانی هند شرقی انگلیس در بوشهر بود که بعدها ضمن موقعیتی که در این سمت برای وی فراهم شده بود، به یکی از بازرگانان برجستهٔ بوشهر تبدیل شد. اوژن فلاندن فرانسوی که در سفر خود به بوشهر (۱۸۴۰-۱۸۴۱م/ ۱۲۵۶-۱۲۵۸ق) به عنوان مهمان در منزل وی اقامت کرده بود، در این باره نوشته است: «کمپانی هند شرقی وی را به سِمَت عامل و نماینده خود در بوشهر می‌شناخت. بدین ترتیب نفوذی فراوان یافته و در نظر حاکم تقربی داشت. ... از این رو دامنه تجارت را هم وسعت داده و یکی از تجار عمده و غنی شده، به طوری که تا بصره، بمبئی و مسقط طرف تجاری داشت» (فلاندن، ۲۵۳۶: ۳۶۶). از دیگر تجار ارمنی معتبر بوشهری، هاراطون لئوملکم بوده است. وی علاوه بر تجارت و بازرگانی، در زمینهٔ وکالت و نمایندگی برای کمپانی استریک (رائین، ۱۳۷۸: ۴۴۱/۲) و همچنین وکالت کمپانی از افریقای جنوبی برای خرید و صدور دام به‌ویژه گوسفند را برعهده داشت (مشروطیت جنوب ایران، ۱۳۸۶: ۱۶). پس از وی نیز «میرزا محمد ملکمی» دیگر ارمنی ساکن بوشهر، این مسئولیت را به عهده گرفت (حمیدی، ۱۳۸۰: ۱۵).

از دیگر نیروهای ارمنی که در این دوره وکالت شرکت‌های خارجی مستقر در بوشهر را عهده‌دار شد، مستر مک اراطون بود که وکالت کمپانی «دیکسن و شرکا» را در بوشهر برعهده داشت (نورائی، ۱۳۸۵: ۷۱). «آراتون» یا «هاراطون» نیز ارمنی دیگری بود که تجارتخانه «وانکهوس و شرکا» را وکالت می‌کرد. تجارتخانه وانکهوس یک تجارتخانهٔ آلمانی بود که ضمن استقرار در بوشهر، به فعالیت‌های تجاری و مبادلات بازرگانی، به‌ویژه خرید صدف و مروارید و صدور آن به آلمان اشتغال داشت (کاکس، ۱۳۷۷: ۷۵). این تجارتخانه در تمام بنادر خلیج‌فارس مانند بندرعباس، بحرین، خرمشهر و بصره شعبه‌هایی دایر کرد و حتی با کرانه‌های عمان و شیخ‌نشین‌های آن حدود روابط تجاری داشت (صیادی و هاشمی، ۱۳۹۶: ۲۶). از جزئیات فعالیت‌های آراتون ارمنی برای این کمپانی آلمانی جز گزارش کنسول انگلیس در بوشهر، خبری در منابع نیامده است. کاکس کنسول

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.2.6]

انگلیس در گزارش خود به سال ۱۹۰۹م/۱۳۲۷ق. نوشته است: «در همین گیرودار [آشفتگی‌های ایام مشروطیت] یک ارمنی به نام آراتون کارمند تجارتخانه وانکهوس که برای رسیدگی به کارهای جاری به لار رفته بود، از آنجا اخراج و تمام اموالش نیز به سرقت برده شد. طوری که با وضعی اسفناک به لنگه مراجعت کرد» (کاکس، ۱۳۷۷: ۷۵).

در این باره، اشاره به این نکته نیز خالی از لطف نیست که تجارتخانه‌های ارمنی و شرکت‌های کشتی‌رانی او، در کنار دیگران واسطهٔ خرید و فروش کالاهای فرانسوی نیز بوده‌اند. طبق اظهار نظر رمی وادالا، با توجه به اینکه هیچ گونه تجارتخانهٔ فرانسوی در کرانه‌های خلیج‌فارس و داخل خشکی‌ها وجود نداشت، تمام این داد و ستدها از طریق تجارتخانه‌های انگلیسی، یا تجار ارمنی و کلیمیان بومی صورت می‌گرفت (وادالا، ۱۳۵۰: ۱۲۴). به این ترتیب، بازرگانان ارمنی با گستردگی فعالیت‌های تجاری خود، از خلأ ناشی از تجارتخانه‌های فرانسوی استفاده کردند و با جابه‌جایی کالاها و اجناس آنان ضمن ایجاد ارتباط با فرانسویان، در فعالیت‌های تجاری آنان در خلیج‌فارس نیز سهیم بودند.

روابط بازرگانان ارمنی با مردم و تجار بوشهری

تجار ارمنی در این دوره به عنوان بخشی از پیکرهٔ تجاری بوشهر، تعاملات گسترده‌ای با مردم بوشهر و سایر تجار ایرانی ساکن در بوشهر داشتند. سدیدالسلطنه در مورد ارتباط تجارتخانهٔ ملکم با مردم بوشهر نوشته است: «طرف وثوق مردم بوشهر بودند و بیشتر مردم اندوخته‌های خود را به آنان می‌سپردند» (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۳: ۵). از طرف دیگر، تجار ارمنی با تجار ایرانی بوشهر نیز روابط نزدیکی داشتند. این ارتباط و تعامل گاه به گونه‌ای بود که در مسائلی چون وقوع مشروطه با تجار ایرانی همدلی داشتند؛ چنان‌که حتی وقتی قوای مردمی گمرک بوشهر را به تصرف خود درآوردند و بلژیکی‌ها را از ریاست آن خلع کردند، موسس‌خان ارمنی را به ریاست آن منصوب کردند (فراشبندی، ۱۳۶۵: ۴۲). دربارهٔ مدرسه «سعادت مظفری» بوشهر نیز همراهی تجار ارمنی با سایر تجار بوشهری در تأمین مالی این مدرسه در کنار طرح مؤسس‌خان ارمنی برای تخصیص بخشی از درآمدهای گمرک برای مصارف مدرسه، موجب ادامهٔ کار و جلوگیری از تعطیلی این مدرسه شد (آرشیو بنیاد ایران‌شناسی بوشهر، ۱۰۸، ۱۰۹). با این حال، گاه رقابت‌های

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.2.6]

تجاری موجبات بروز تنش‌هایی میان دو طرف را فراهم می‌آورد. در این زمینه می‌توان به کشمکش میان خواجه ملکم ارمنی و ملک‌التجار بر سر فروش شکر اشاره کرد. جالب توجه آنکه در بیشتر موارد با وجود توسل تجار ارمنی به برخی شرکت‌های خارجی و یا نمایندگی انگلیس (استادوخ، اسناد مکمل، سند شمارهٔ ۴۹-۱۹۹) و طرح و پیگیری دعوا از سوی آنان، سرانجام ماجرا با حمایت دولت ایران به نفع تجار ایرانی پایان می‌یافت (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۶: ۲۹۴).

تجار ارمنی در تلاش بودند که روابط خوبی با کارگزاران دولت مرکزی مستقر در بوشهر و دولت مرکزی ایجاد کنند تا بدین وسیله با سهولت بیشتر به تأمین منافع تجاری خود نائل شوند. در این زمینه می‌توان به روابط دوستانهٔ خاندان ملکم با سدیدالسلطنه اشاره کرد که مدتی عهده‌دار کارگزاری دولت ایران در بوشهر بود (سدیدالسلطنه، ۱۳۷۱: ۹۴-۹۵) و یا ارسال پی‌درپی پیام‌های تبریک تجار ارمنی در مورد اعیاد و جشن‌ها به دولت مرکزی (استادوخ، ۱۳۲۰: سند شمارهٔ ۴).

نتیجه‌گیری

بندر بوشهر به عنوان مهم‌ترین بارانداز ورود و خروج کالا به ایران، در دوره قاجاریه از رونق بالایی برخوردار بود. در کنار عوامل متعددی چون حاکمیت آل مذکور بر بوشهر و توجه آنان به برقراری امنیت در این بندر، طبقهٔ تجار بوشهری نیز نقش مهمی در رونق تجاری این بندر ایفا کردند. در میان این تجار، بازرگانان ارمنی به واسطهٔ برخورداری از برخی امتیازات همچون داشتن پیشینهٔ طولانی تجارت و وجود ارتباطات گسترده با بازارهای جهانی و همچنین آشنایی با زبان‌های خارجی، توانستند همپای تجار بوشهری رونق تجاری این بندر را دوچندان کنند. تجار ارمنی در این برهه به صورت انفرادی و یا از طریق تشکیل تجارتخانه‌های عمده، در کار واردات انواع کالا نظیر زغال، تنباکو، شکر، اسلحه و مهمات و همچنین صدور دام و قالی و کالاهای دیگر و جابجایی مسافران نقش فعالی برعهده داشتند. فعالیت‌های تجاری این بازرگانان همانند تجار بومی گاه به سبب اقتصاد بیمار دورهٔ قاجار، در قالب دلالی و قبول نمایندگی کمپانی‌های خارجی استمرار داشت. این نوع فعالیت‌ها گویای شکل مطلوب کسب و کار و تجارت نبود، اما در نهایت

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.2.6]

بخشی از رونق امور تجاری بوشهر را به خود اختصاص داده بود. در کنار فعالیت‌های بازرگانی و تجاری، تجار ارمنی به عنوان بخشی از بدنهٔ جمعیتی بندر بوشهر، مصدر اقداماتی برای آبادانی و رفاه اجتماعی این بندر شدند. برای این منظور تجار ارمنی با سرمایه‌گذاری بخشی از سرمایه‌های خود در بخش‌های خدماتی نظیر ساخت کاروان‌سراهای متعدد و ساخت کارخانه‌های یخ‌سازی و قالی‌بافی و سرانجام همکاری فراوان در تأمین هزینه‌های مالی مدرسهٔ سعادت مظفری، در حیات اجتماعی و اقتصادی بوشهر در دوره قاجاریه نقش قابل توجهی ایفا کردند.

منابع و مآخذ

- احتشام‌السلطنه (۱۳۶۶)، *خاطرات احتشام‌السلطنه*، تهران: زوار.
- استفان رای، گرمون (۱۳۷۸)، *چالش برای قدرت و ثروت در جنوب ایران*، ترجمهٔ حسن زنگنه، قم: همسایه.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹)، *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجاریه*، تهران: انتشارات زمینه.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۶۷)، *مرآة البلدان*، تصحیح عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۶۹)، *نگاهی به بوشهر*، تهران: نسل دانش.
- امیری، حیدر (۱۳۹۳)، «تجارت بندر بوشهر در حوزه خلیج‌فارس (دوره قاجار)»، *مطالعات خلیج‌فارس*، دوره اول، ش۳، صص۸۱-۹۳.
- انوری، امیرهوشنگ (۱۳۸۷)، *گزیده مقالات و اخبار روزنامه‌های مهم درباره خلیج‌فارس*، تهران: بنیاد ایران‌شناسی.
- بروگش، هاینریش کارل (۱۳۸۹)، *سفری به دربار سلطان صاحقران*، ترجمهٔ حسین کردبچه، تهران: اطلاعات، چ۳.
- برومند، صفورا (۱۳۸۱)، *سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر*، تهران: وزارت امور خارجه.
- بنجامین، ساموئل گرین (۱۳۶۳)، *سفرنامه*، ترجمهٔ رحیم رضازاده ملک، تهران: گلبانگ.
- پاتینجر، هنری (۱۳۴۸)، *سفرنامه*، ترجمهٔ شاپور گودرزی، تهران: دهخدا.
- پری، جان (۱۳۶۵)، *کریم‌خان زند*، ترجمهٔ علی‌محمد ساکی، تهران: فراز.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، *سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»*، ترجمهٔ کیکاوس جهانداری، تهران: خوارزمی، چ۲.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.2.6]

- جمالزاده، سید محمدعلی (۱۳۳۵)، *گنج شایگان*، برلین: چاپخانه کاویانی.
- جناب، محمدعلی [بی‌تا]، *خلیج فارس*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- حمیدی، سید جعفر (۱۳۸۰)، *فرهنگنامه بوشهر*، تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد.
- خیراندیش، عبدالرسول و مجتبی تبریزنیا (۱۳۹۰)، «بانک شاهی»، پژوهش‌نامه خلیج‌فارس (دفتر اول و دوم)، تهران: خانه کتاب.
- دهقان‌نژاد، مرتضی و ظریفه کاظمی (۱۳۸۹)، «تجارت بوشهر و راه‌های تجاری آن در سال‌های ۱۲۰۳ تا ۱۳۲۴ش»، *گنجینه اسناد*، دوره ۲۰، ش۷۷، صص۲۲-۳۸.
- رایت، دنیس (۱۳۶۱)، *نقش انگلیس در ایران*، ترجمهٔ فرامرز فرامرزی، تهران: انتشارات فرخی.
- رائین، اسماعیل (۱۳۷۸)، *فراموشخانه و فراماسونری در ایران*، ج۲، تهران: مؤسسه تحقیق رائین، چ۳.
- ریچاردز، فرد (۱۳۸۹)، *سفرنامه*، ترجمهٔ مهین‌دخت صبا، تهران: علمی و فرهنگی، چ۳.
- سایکس، پرسی ملزورث (۱۳۶۳)، *سفرنامه (ده‌هزار مایل در ایران)*، ترجمهٔ حسین سعادت نوری، تهران: انتشارات لوحه.
- سدیدالسلطنه بندرعباسی، محمدعلی‌خان (۱۳۶۲)، *سفرنامه*، تصحیح احمد اقتداری، تهران: بهنشر.
- ..... (۱۳۶۳)، *بندرعباس و خلیج‌فارس*، تصحیح احمد اقتداری، تهران: دنیای کتاب، چ۲.
- ..... (۱۳۷۱)، *سرزمین‌های شمالی پیرامون خلیج‌فارس و دریای عمان*، تهران: جهان معاصر.
- سعیدی‌نیا، حبیب‌الله (۱۳۸۹)، *گمرک بوشهر و نقش آن در تجارت خلیج‌فارس در دوره قاجار*، بوشهر: دانشگاه خلیج‌فارس.
- سیف، احمد (۱۳۸۷)، *قرن گمشده؛ اقتصاد و جامعهٔ ایران در قرن نوزدهم*، تهران: انتشارات نی.
- شیل، مری (۱۳۶۲)، *خاطرات*، ترجمهٔ حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو.
- صیادی، مرصع و فاطمه هاشمی (۱۳۹۶)، *اسناد کنسولگری بریتانیا در خلیج‌فارس و بوشهر*، بوشهر: شروع.
- علیزاده مقدم، بدرالسادات و ظهراب هاشمی‌پور (۱۳۹۷)، «بررسی نقش ارامنه در گمرک بوشهردر دوره قاجار براساس اسناد این دوره»، *پژوهش‌های تاریخی*، دوره دهم، ش۴، صص۱۹-۳۷.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، *تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار: ۱۲۱۵-۱۳۳۲ق)*، ترجمهٔ یعقوب آژند، تهران: گستره.
- فراشبندی، علیمراد (۱۳۶۵)، *جنوب ایران در مبارزات ضد استعماری*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- فلاندن، اوژن (۲۵۳۶)، *سفرنامه*، ترجمهٔ حسین نور صادقی، [بی‌جا]: اشراقی، چ۳.
- فلور، ویلم (۱۳۶۵)، *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار*، ترجمهٔ ابوالقاسم سرّی، تهران: طوس.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.2.6]

- ..... (۱۳۸۹)، *تاریخ بوشهر از صفویه تا زندیه*، ترجمهٔ حسن زنگنه، بوشهر: انتشارات شروع.
- کاکس، سرپرسی (۱۳۷۷)، *گزارش‌های سالانهٔ سرپرسی کاکس سرکنسول انگلیس در بوشهر*، ترجمهٔ حسن زنگنه، [بی‌جا]: پروین.
- کلی، جی. بی. و راجر سیوری (۱۳۷۷)، *خلیج‌فارس از دوران باستان تا اواخر قرن هجده میلادی*، ترجمهٔ حسن زنگنه، قم: انتشارات همسایه.
- کرزن، جرج (۱۳۶۲)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمهٔ غلامعلی وحید مازندرانی، ج۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کزازی، مهری (۱۳۹۰)، «بوشهر و چرخش جمعیتی آن در دورهٔ قاجار»، *اسناد بهارستان*، ش۱، صص۲۲۲-۲۳۹.
- گوبینو، ژوزف آرتور (۱۳۶۷)، *سفرنامه: سه سال در آسیا*، ترجمهٔ عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: کتاب‌سرا.
- لوریمر، ج. (۱۳۷۹)، *راهنمای خلیج‌فارس*، ترجمهٔ سید محمدحسن نبوی، شیراز: انتشارات نوید.
- مارکوارت، یوزف (۱۳۸۳)، *ایرانشهر در جغرافیای بطلمیوس*، ترجمهٔ مریم میراحمدی، تهران: طهوری.
- محمدی، مجتبی (۱۳۹۷)، «اقلیت‌های مذهبی در بوشهر عصر قاجار»، *سایت میراث آریا*، صص۳-۸.
- مشایخی، عبدالکریم (۱۳۸۲)، *عیسویان در بوشهر*، بوشهر: انتشارات بوشهر.
- *مشروطیت جنوب ایران* (۱۳۸۶)، ترجمهٔ حسن زنگنه، تهران: مؤسسهٔ مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- موجانی، سید علی (۱۳۸۴)، *بررسی مناسبات ایران و آمریکا (۱۸۵۱-۱۹۲۵م)*، تهران: وزارت امور خارجه، چ۲.
- موریه، جیمز (۱۳۸۶)، *سفرنامه*، ترجمهٔ ابوالقاسم سری، ج۱، تهران: توس.
- نورائی، مرتضی (۱۳۸۵)، *اسناد کارگزاری بوشهر*، تهران: مؤسسهٔ مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- وادالا، ر. (۱۳۵۰)، *خلیج‌فارس در عصر استعمار*، ترجمهٔ شفیع جوادی، تهران: سحاب کتاب.
- Potter, Lawrence (2008), *The Persian Gulf In History*, NewYork.
- Messrs Malcom And Abumusa (1898), *British library*, London.

اسناد

- آرشیو بنیاد ایران‌شناسی بوشهر، دفتر هیئت امنای مدرسه سعادت مظفری، شماره‌های ۱۴۲، ۱۰۸، ۱۰۹.
- ادارهٔ اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، سند شماره ۴۱، کارتن ۴، پرونده ۱۳، ۱۳۲۶ق.
- .....، سند شمارهٔ ۲۳، کارتن ۲۵، پرونده ۱۷، ۲۷ شوال ۱۳۱۳.
- .....، سند شمارهٔ ۴، کارتن ۳، پرونده ۱۲، ۱۳۲۰ق.
- .....، اسناد مکمل، سند شمارهٔ ۴۹-۱۹۹.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-07]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.2.6]

روزنامه‌ها

- *روزنامه مظفری* (جمادی‌الثانی ۱۳۲۸)، ش۸، صص۱۵، ۱۶.
- *روزنامه مظفری* (ربیع‌الثانی ۱۳۲۸)، ش ۳، ص۱۶.
- *روزنامه حبل المتین* (۱۵ شوال ۱۳۱۸/ ۵ فوریه ۱۹۰۱)، ش۱۷، ص۱۷.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.2.6]